



The Educational Function of Imamiyyah 'Fadl al-Qur'anic Narratives Based on Bloom's Taxonomy Theory of

Parviz Azadi^{1*}

Davood Memari²

Abstract

The narrations of Fazl al-Qur'an in the narrative literatures have been assigned a specific section with the same title. These traditions have a significant role in defining the status and position of the Qur'an in guiding human beings as well as teaching them how to associate with the Qur'an. If one considers this type of narrative as an educational resource whose task is to explain the role and position of the Qur'an, to encourage its guidance, as well as to explain the practices of interacting with the Qur'an in life, then this set of narratives can play the role of a textbook and tutorial. According to Bloom's theory, learning is divided into three domains: cognitive, emotional, and behavioral. A review of the above narratives based on Bloom's theory reveals that these narratives are significant for all three areas of learning and, more importantly, that many more narratives are included in the behavioral section. This illustrates the educational importance of this subject in the behavioral domain and its tremendous impact on guiding human beings through the behavioral learning of the Holy Quran.

Keywords

Quran, Ahl al-Bayt, Fazl Al-Quran, Education and Training, Bloom's Taxonomy, Cognitive, Emotional, Behavioral.

Article Type: Research

1. Responsible Author, Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Imam Khomeini International University. Email: azadi@isr.ikiu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Imam Khomeini International University. Email: memari@isr.ikiu.ac.ir

Received on: 25/02/2020 Accepted on: 18/01/2021

Copyright © 2021, Azadi & Memari

Publisher: Imam Khomeini International University.





شماره پانزدهم: ۲۵۸۸-۲۸۹۵
شماره مجله: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فہم حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2021.2327

کارکرد تعلیمی روایات «فضل القرآن» امامیه، بر اساس نظریه «حیطه‌های یادگیری بلوم»
پرویز آزادی^{۱*}
داود معماری^۲

چکیده

روایات فضل القرآن در جوامع روایی فریقین، بخش مشخصی را با همین عنوان یا عناوین مشابه به خود اختصاص داده است. این دسته از روایات نقش قابل توجهی در تعریف جایگاه و شأن قرآن در هدایت انسان دارد و همچنین آداب معاشرت با کتاب الهی و بهره‌وری از آن را آموزش می‌دهد. اگر به این دسته از روایت به عنوان یک منبع آموزشی نگاه شود که تبیین نقش و جایگاه قرآن، تشویق به هدایت یافتن از آن و همچنین تبیین آداب تعامل با این کتاب شریف در زندگی را بر عهده دارد، در این صورت این مجموعه از روایات می‌تواند نقش یک کتاب درسی و آموزشی را ایفا کند. بر اساس نظریه بلوم، یادگیری به سه حیطه تقسیم می‌شود؛ شناختی، عاطفی و رفتاری. در این پژوهش با مروری بر روایات فضل القرآن- در منابع شیعی- بر اساس این نظریه، مشخص می‌شود که این احادیث برای هر سه حیطه یادگیری مطالب قابل توجهی دارند و مهمتر این که در بخش رفتاری، روایات بسیار بیشتری گنجانده شده است. این امر نشانگر اهمیت آموزشی روایات مذکور در این حیطه خطیر و تأثیر فوق‌العاده آن در هدایت انسان از طریق یادگیری رفتاری قرآن کریم است.

کلیدواژه‌ها

روایات فضل القرآن، تعلیم و تربیت، حیطه‌های یادگیری بلوم، شناختی، عاطفی، رفتاری.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول).

azadi@isr.ikiu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). memari@isr.ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

شناخت حقیقت قرآن کریم و احاطه کامل بر همه ابعاد آن جز برای کسانی که مصداق اتم و اکمل آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» هستند، میسر نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۹: ۱۳۷، مقدمه المیزان، ۱۲). پیوند میان قرآن و اهل بیت (ع) پیوند عمیق و ناگسستنی است، همراهی اهل بیت (ع) با قرآن در حدیث ثقلین تاکید و تأییدی است از سوی پیام آور وحی بر این رابطه وثیق و مستحکم، با اشاره و خواست صاحب و نازل کننده آن (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۲۵؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ۱۳: ۲۰۰-۲۰۱). به تعبیری، قرآن همان سیره نبوی (ص) و سیره نبوی در واقع مفسر و مبین قرآن است (لسانی فشارکی، ۱۳۹۲ش، ۲۰). این مطلب نشان‌گر جایگاه تعلیمی و تربیتی ائمه (ع) در رابطه با جنبه‌های مختلف قرآن از جمله معرفت، انس و عمل به معارف آن است. پیامبر اکرم (ص)، اهل بیت (ع) را با قرآن و قرآن را با آنان می‌داند و اظهار می‌دارد که هیچ‌گاه این دو از هم جدا نمی‌شوند (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ۸۱) و خاندان وحی برگزیدگانی هستند که طبق آیه «تطهیر» در اوج پاکی و قداست قرار گرفته و از هر گونه پلیدی به دور هستند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۲۸۷).

از جمله احادیثی که از مقام رسالت (ص) و امامت (ع) در ارتباط با کتاب خداوند بیان شده، روایاتی است که به تشریح فضائل قرآن، سور و آیات آن می‌پردازند. اصطلاح «فضل القرآن»، نام یکی از شاخه‌های علوم قرآن است که در آن از فضائل و منافع قرآن کریم، سوره‌ها و آیات آن بحث می‌شود. در این دسته از روایات استماع قرآن، تأمل در آن، ترتیل، تعلیم و تعلم آن، تعویذ به قرآن، تفسیر، حفظ و ختم آن و ... سفارش و به آن تشویق و آثاری دنیوی و اخروی فراوانی نیز برای آن‌ها بیان شده است (عتر، ۱۴۱۶ق، ۲۶۷-۲۶۸؛ عبیدالخفاجی، ۱۴۱۶ق، ۲۵۸؛ حسینی تهرانی، ۱۴۲۱ق، ۲۲). این علم یکی از شاخه‌های کهن علوم قرآن است (ابن ندیم، ۱۴۲۲ق، ۵۷).

این عنوان دارای ابواب و زیر شاخه‌هایی است که در جوامع حدیثی اولیه و متأخر به طور کامل ذکر شده است: «فضیلت استماع قرآن»، «فضیلت حفظ قرآن»، «فضیلت و ثواب قرائت قرآن که خود شامل؛ فضیلت قرائت قرآن در خانه، فضیلت ختم قرآن در مکه، فضیلت تلاوت قرآن با صوت نیکو، ثواب قرائت سوره یا آیات خاص، فضیلت قرائت قرآن در نماز، فضیلت تلاوت قرآن با صوت حزین و ...، همه این موارد ریشه در قرآن داشته و این کتاب شریف باعث پیدایش و پرورش آن گردیده است. این روایات در اکثر جوامع روایی و تفاسیر با عناوینی چون کتاب «فضل القرآن» کافی و کتاب «فضائل القرآن» صحیح بخاری گردآوری شده است (معارف، ۱۳۸۳ش، ۱۵).

عناوین دیگری مانند؛ «فضائل القرآن»، «ثواب القرآن»، «منافع القرآن»، «خواص القرآن» و «فوائد القرآن» همگی بر همین معنای عام یعنی؛ بهره‌وری‌های گوناگون از قرآن کریم دلالت می‌کنند. تعابیری از قبیل «خواص السور» و «خواص الآیات» آن چنان که مشخص است، مفاهیمی اخص از «فضل القرآن» هستند و اختصاصاً فضیلت برخی از سور مانند فضیلت قرائت سوره واقعه و یا برخی آیات مانند ثواب تلاوت آیه الکرسی را بیان می‌کنند.

علاوه بر کتب و منابع متقدم و متعدد نگارش یافته در زمینه فضائل قرآن، سور و آیات آن (ر.ک: آقابزرگ، ۱۳۵۵ق، ۱۶: ۲۶۲؛ ابن ندیم، ۱۴۲۲ق، ۵۸)، در دوران معاصر نیز آثار ارزنده‌ای مانند؛ «فضائل القرآن الکریم و خواص السور و آیاته»؛ از عبدالله صالحی، «خواص القرآن و فوائد»؛ ضیال‌الدین اعلمی و «الفرقان فی فضائل سور القرآن»؛ حسن شهیدی صالحی، در این خصوص نگارش شده‌اند.

مقالات محققانه «بررسی تطبیقی رویکرد فریقین به قرآن با محوریت کتاب فضل القرآن کافی و فضائل القرآن صحیح بخاری؛ سیدمهدی علمی حسینی، مجله آموزه‌های قرآنی، ۱۳۹۳ش، شماره ۲۰» و «اعتبارسنجی روایات فضائل قرائت قرآن نزد شیعه؛ قاسم بستانی، مجله مطالعات فهم حدیث، ۱۳۹۷ش، شماره ۹» نیز از دیگر پژوهش‌های این عرصه است. آثار مذکور اعم از متقدم و کنونی، همگی در حیطه تبیین مفهوم فضل القرآن، اعتبارسنجی اسناد و نهایتاً تحلیل متون آن‌ها به تحقیق و بررسی پرداخته‌اند.

جوامع روایی مسلمانان در دو گروه اصلی امامیه و اهل سنت، روایات قابل توجهی در موضوع قرآن و تحت عنوان «فضل القرآن» را عرضه کرده‌اند. این روایات تفسیر آیات قرآن نیستند، بلکه صرفاً بر جایگاه قرآن در زندگی انسان و آموزش شیوه تعامل و معاشرت صحیح انسان با کتاب خدا تمرکز دارند. اگر مجموع این روایات را به عنوان یک کل در نظر بگیریم و روایات تکراری را نیز در آن حذف کنیم، به یک ساختار قابل توجهی دست می‌یابیم. این ساختار شباهت فراوانی به یک کتاب آموزشی در موضوع «فضل القرآن» می‌یابد. در این نوشتار، تمرکز اصلی بر روایات موجود در جوامع روایی امامیه است و روایات اهل سنت به دلیل این‌که در نوشتار دیگری مورد بحث قرار گرفته^۱ از این بررسی حذف شده است. بنابراین تأکید این مقاله بر مکتب اهل بیت (ع) در این موضوع آموزشی است.

۱. «ارزیابی کمی‌گرایی سیوطی در تبیین موضوع قرائت قرآن، مطالعه موردی نوع سی و پنج الاتقان فی علوم القرآن»، آزادی پرویز، باقری بهلولی فاطمه، مطالعات قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ش، دوره ۸، شماره ۱، از ۵-۳۱.

اگر تصور کنیم یکی از ائمه (ع) می‌خواستند به یک یا چند نفر از مسلمانان شیوه تعامل با قرآن و معاشرت سازنده با آن را بیاموزند، شیوه آموزشی خاصی را به کار می‌بردند که متأسفانه چینی شیوه آموزشی به دست ما نرسیده است. ولی در صورتی که تمامی ائمه به عنوان ثقل اصغر، معلم قرآن و مسئول آموزش معاشرت سازنده با قرآن برای مردم در نظر گرفته شوند و تمامی مسلمانان به عنوان اعضای یک کلاس در نظر گرفته شوند، مجموع روایاتی نیز که به دست ما در این موضوع رسیده است نیز به عنوان یک منبع آموزشی در نظر گرفته شود، در این صورت اجزای یک سیستم آموزشی تکمیل می‌شود؛ معلم (پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع))، دانش‌آموز (مسلمانان)، منبع آموزشی (کتاب فضل القرآن) و محیط آموزشی (کل جامعه).

پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با نگاهی میان‌رشته‌ای به کارکرد تربیتی روایات فضل القرآن (در معنای عام بهره‌گیری از قرآن کریم و نه فقط سوره یا آیه‌ای خاص)، بر اساس نظریه حیطه‌های تربیتی بلوم) که هم دارای شهرت و هم کاربرد زیادی در سیستم‌های آموزشی دنیاست، می‌پردازد.

۲. نظریه حیطه‌های سه‌گانه یادگیری بلوم

یادگیری اهمیت فراوانی دارد. به همین جهت درباره علل، فرآیندها و پیامدهای یادگیری دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و در واقع، یک تعریف از یادگیری که به طور همگانی و به وسیله همه نظریه‌پردازان، محققان و کارورزان مورد قبول باشد، وجود ندارد. یکی از تعاریفی که با معیارهای بیشتر افراد متخصص در یادگیری مطابقت دارد عبارت است از «تغییراتی پایدار در رفتار، یا در قابلیت رفتار به شیوه‌ای معین که از تمرین یا گونه‌های دیگر تجربه به دست می‌آید» (شانگ، ۱۳۹۲، ش، ۳). تعریف دیگر این است که «یادگیری، ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری است که از تجربه ناشی می‌شود و نمی‌توان آن را به حالت‌های موقتی بدن مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی، یا داروها ایجاد می‌شود نسبت داد» (هرگنهان و همکاران، ۱۳۸۲، ش، ۳۱).

همچنین می‌توان گفت «یادگیری تغییر بلند مدت در بازنمایی‌های ذهنی یا تداعی‌ها در نتیجه تجربه است» (الیس، ۱۳۹۲، ش، ۸). در این تعاریف بر یک مسأله اتفاق نظر وجود دارد و آن تغییر در رفتار است. اگر این ویژگی را در موضوع مورد مطالعه بخواهیم تطبیق بدهیم این نتیجه انتظار می‌رود که بعد از آموزش موضوع «فضل القرآن» در رفتار یک انسان مسلمان نسبت به قرآن کریم تغییر ایجاد شود و این تغییر ماندگار و ثابت باشد و روز به روز نیز تأثیر آن بیشتر شود.

در گذشته دسته‌بندی‌های شناخته شده‌ای برای حیطه‌های یادگیری مطرح بود ولی در سال ۱۹۵۶م بنجامین بلوم^۱ دسته‌بندی جدیدی را مطرح کرد. دسته‌بندی بلوم شامل سه حیطه متمایز یادگیری، یعنی شناختی^۲، عاطفی^۳ و روانی-حرکتی^۴ می‌شود که در نمودار ذیل قابل مشاهده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶ش، ۲۰۳).



نمودار شماره ۱: حیطه‌های یادگیری بلوم

این طبقه‌بندی توسط گروهی از متخصصان آموزش، اندازه‌گیری و ارزشیابی تهیه شد و به نام بلوم که سرپرستی گروه را بر عهده داشت شهرت یافت. در این طبقه‌بندی هر یک از این حوزه‌ها یا حیطه‌ها هم شامل تعدادی زیر طبقه است. حوزه شناختی؛ دانش و معلومات و توانایی‌ها و مهارت‌های ذهنی را در می‌گیرد. حوزه عاطفی؛ با علاقه، انگیزش، نگرش، قدردانی و ارزش‌گذاری سر و کار دارد و حوزه روانی-حرکتی؛ به زمینه مهارت‌های حرکتی یا فعالیت‌های بدنی ارتباط دارد (سیف، ۱۳۹۴ش، ۴۵۸-۴۵۹). همچنین حیطه شناختی در نگاهی دقیق‌تر از شش سطح به یاد سپردن، فهمیدن، کاربرد، تحلیل، نقد و ارزیابی و در نهایت خلق و آفرینش تشکیل می‌شود. این طبقه‌بندی همچنان در برخی رشته‌ها برای بهبود پیامدهای برنامه‌های آموزشی به کار گرفته می‌شود (مهرپور و همکاران، ۱۳۹۴ش، ۷۲).

این نظریه از نقاط قوت آموزش انفرادی یا تک‌شاگردی برای افزایش کیفیت آموزش گروهی استفاده می‌کند. در روش انفرادی، آموزگار کاملاً در جریان فرآیند یادگیری دانش‌آموز قرار دارد. ولی در آموزش گروهی، عدم امکان شناخت و رسیدگی به ویژگی‌های تمامی افراد یادگیرنده از مشکلات بزرگ آموزشی است. این نظریه از نقاط

1. Benjamin S. Bloom
2. Cognitive domain
3. Affective domain
4. Psychomotor domain

قوت آموزش انفرادی یا تک‌شاگردی برای افزایش کیفیت آموزش گروهی استفاده می‌کند. در روش انفرادی، آموزگار کاملاً در جریان فرآیند یادگیری دانش‌آموز قرار دارد. ولی در آموزش گروهی، عدم امکان شناخت و رسیدگی به ویژگی‌های تمامی افراد یادگیرنده از مشکلات بزرگ آموزشی است. فرضیه زیربنایی نظریه یادگیری بلوم این است که اگر شرایط مناسب آموزشی فراهم شود و برای یادگیری هر دانش‌آموز زمان کافی در نظر گرفته شود همه یا تقریباً همه یادگیرندگان می‌توانند همه یا تقریباً همه هدف‌های آموزشی یک درس را بیاموزند (درتاج و همکاران، ۱۳۹۵، ش، ۷۴) و اگر شرایط مناسب یادگیری فراهم آید اغلب دانش‌آموزان در توانایی یادگیری، سرعت یادگیری و انگیزش برای یادگیری بیشتر بسیار شبیه به هم خواهند شد (بلوم، ۱۳۶۳، ش، ۲).

به دلیل کارکرد این نظریه در آموزش گروهی، معمولاً دسته‌بندی بلوم بیشتر توسط دست‌اندرکاران برنامه درسی مورد استفاده قرار می‌گیرد (گالن و همکاران، ۱۳۷۲، ش، ۲۷۶). در الگوی حیطه‌های یادگیری بلوم، فراگیر ابتدا شناختی نسبت به موضوع می‌یابد (سطح شناختی)، سپس در او انگیزه‌ای در جهت نزدیک شدن و یا عمل کردن آن به وجود می‌آید (سطح عاطفی) و در نهایت اقدام به عمل به موضوع فراگرفته خود می‌نماید (سطح رفتاری یا روانی - حرکتی). وجه تمایز این نظریه از سایر نظریه‌ها در این است که بلوم و همکارانش توجه خود را بر دو حیطه جداگانه از هدف‌های عینی یعنی شناختی و عاطفی معطوف داشتند. معمولاً در موسسات آموزشی بیشتر بر جنبه شناختی تاکید می‌شود ولی در نظریه بلوم بر حیطه رفتاری تاکید شده است (گالن و همکاران، ۱۳۷۲، ش، ۲۶۱).

در موضوع مورد بحث ما یعنی روایات فضل القرآن، ابتدا در سطح شناختی فراگیر، نسبت به اهمیت و جایگاه قرآن آگاه می‌شود (سطح شناختی)، سپس در مرحله بعدی نسبت به نزدیک شدن به قرآن و فراگیری آن علاقمند می‌شود (سطح عاطفی) و در نهایت اقدام به فراگیری و انس با قرآن می‌نماید (سطح روانی - حرکتی). با توجه به این‌که یادگیری کنونی حاصل یادگیری‌ها و شرایط یادگیری قبلی است و یادگیری کنونی به نوبه خود برای یادگیری آینده پیامدهایی خواهد داشت؛ تاریخچه فردی یادگیرنده به مقدار زیاد تعیین‌کننده یادگیری کنونی اوست و این تاریخچه مترکبم (گذشته و حال) برای یادگیری آینده او پیامدهای مهمی خواهد داشت (بلوم، ۱۳۶۳، ش، ۲۲۳).

با این وصف در هر مرحله‌ای که یک فرد نسبت به قرآن شناخت جدیدی کسب می‌کند با استفاده از شناخت قبلی یادگیری او قوی‌تر می‌شود و با در نظر گرفتن هر سه سطح یادگیری، یادگیری او بسیار عمیق‌تر می‌شود.

۳. تطابق روایات فضل القرآن با حیطه‌های تربیتی بلوم

آنچه مایه امیدواری و بشارت است و مورد تجربه و تصدیق قرار گرفته، این است که خداوند بنا به لطف و رحمت خود، آنچه را که برای شناخت حقایق قرآن و سیره نبوی (ص) ضرورت داشته است، در لابلای گزارش‌های تاریخی و احادیث و روایات برای ما حفظ کرده است و ما در پرتو نظر و عنایت الهی با کار و کوشش روشمند می‌توانیم به این امور دست یابیم و آن‌ها را در مسیر کشف حقایق قرآنی و حل مسائل مهم سیره نبوی (ص) به کار گیریم (لسانی فشارکی، ۱۳۹۲، ش، ۱۴۱).

در باب روایات فضل القرآن نیز در هر سه حیطه یادگیری، روایاتی وجود دارد که در این جا بر اساس حیطه‌های یادگیری بلوم، دسته‌بندی می‌شود. در این جا باید به یک نکته اساسی در آموزش معارف اسلامی توجه خاص داشت و آن را در همه مراحل این آموزش مد نظر قرار داد. آن نکته این است که در اسلام بین اعتقاد و کردار و خوی، هم‌بستگی وسیعی وجود دارد و ما در هر یک از اعمال و دستورهای اسلامی، نشان هر سه بخش را می‌بینیم؛ مثلاً نماز ابتدا با معرفت به خدا و ایمان به او معنا می‌یابد و در عین حال در همین نماز باید از غضب و تصرف اموال دیگران خودداری کرد و با وجود این با همکاری و مسالمت، در نماز جماعت خو گرفت (باهر، ۱۳۸۷، ش، ۱۵۳).

لازم به ذکر است که برای کوتاه شدن مطلب از ذکر نام ائمه (ع) پرهیز شده و صرفاً محتوای روایت در این مقاله آمده ولی باید توجه داشت که همه این روایات یا از پیامبر اکرم (ص) یا ائمه معصومین (ع) است:

۳-۱. حیطه شناختی

با قرآن می‌توان - دست کم در حوزه معرفتی - همه نقص‌ها را زدود و همه نارسایی‌ها را از میان برد و اشتباهات را تصحیح و صحیح‌ها را تأیید و تکمیل نمود. همان گونه که خداوند خود، مهیمن است و نسبت به جمیع ما سوی الله احاطه و هیمنه دارد و همه چیز را تحت پوشش فراگیر علم و قدرت و رحمت خود قرار داده است (لسانی فشارکی، ۱۳۹۲، ش، ۲۹).

روایات قابل توجهی وجود دارد که صرفاً به شأن و جایگاه قرآن کریم می‌پردازد و مومنان را به شرافت و منزلت آن آگاه می‌نماید. این روایت از این قبیل است: فضیلت و برتری گفتار خدا بر سایر گفتارها به مانند برتری خود پروردگار بر مخلوقاتش است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹: ۱۶) و قرآن برترین نعمتی است که خداوند به انسان‌ها داده

است و به واسطه این نعمت بزرگ، انسان را از دیگر کتب که داعیه‌دار برنامه هدایتی برای زندگی انسان هستند بی‌نیاز می‌سازد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۶: ۱۸۶) و از زندگی سعادت‌مند و دیگر برکات الهی بهره‌مند می‌سازد (شعیری، بی‌تا، ۴۱). قرآن حجت خداوند بر مخلوقات و پیمان خداوند بر بندگان برای اعتقاد و عمل به آن است (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۸۳: ۲۶۶). مهم‌ترین رسالت قرآن کریم هدایت و راهنمایی بشر به سوی سعادت و کمال است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۵۹۹). قرآن پند دهنده‌ای است که مکر و فریبی در پندهایش نیست و برنامه هدایتی است که گمراهی در آن راه ندارد و کسی را که طالب هدایت با برنامه هدایتی قرآن باشد، از کوردلی و گمراهی‌اش می‌کاهد (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۷۶).

قرآن شامل مضامین کتب مقدس ادیان سابق و در بردارنده سخنان جامع و فراگیر است (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۴۸۴) به این دلیل قرآن در هر موضوعی از موضوع‌های مربوط به هدایت انسان سخن و پیامی برای گفتن دارد و این معنای جوامع الکلم یا «تبیان لکل شیء» بودن قرآن است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۲۶۰). هر کس قرآن را راهنمای خود قرار دهد او را به بهشت می‌رساند و هر کسی آن را کنار بگذارد به جهنم می‌رود و قرآن بهترین راهنما برای بهتر راه است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۲: ۴۴).

این بخش از روایت جایگاه قرآن کریم را در رستگاری انسان نشان می‌دهد؛ یعنی در حیطه یادگیری شناختی، قرآن را به مسلمانان معرفی می‌نماید؛ شناختی اجمالی به جایگاه، اهمیت و کارکرد قرآن در زندگی انسان ایجاد می‌کند. البته این رابطه و تاثیر، متقابل و روبه‌تزايد است. به تعبیری این روایات معرفت‌مومنین را نسبت به قرآن کریم افزایش می‌دهند و قرآن خود نیز به تقویت باورهای الهی ایشان می‌افزاید.

۲-۳. حیطه عاطفی

بنا بر آموزه‌های قرآنی، مسلمان اعم از شیعه یا سنی، باید خداپرستی (تعبدی) را به خداشناسی (معرفتی) و خدا دوستی (عاطفی) ارتقاء دهد و به اسلام راستین دست یابد تا بتواند در دنیا مسلمانی موفق باشد و سعادت اخروی او نیز تامین گردد (لسانی فشارکی، ۱۳۹۲ش، ۳۴۶).

از این‌رو علاوه بر حوزه معرفتی، در حیطه عاطفی نیز روایاتی داریم که در مؤمنان شوق و رغبت نسبت به نزدیک شدن به قرآن و انس با آن ایجاد می‌کند. این روایت عبارتند از:

برترین عبادت، قرائت قرآن است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۶: ۱۹۱). نگاه به سه چیز عبادت است و یکی از آن‌ها، نگاه به صفحات کلام الهی است (حکیمی، ۱۳۸۰ش، ۲: ۱۵۸). از قرآن برای دردهایتان شفا بطلبید و در مشقت‌ها از آن یاری بخواهید؛ زیرا درمان بزرگترین دردها، از کفر، نفاق و انحراف و گمراهی در آن است (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۷۶: ۲۵۲). قرآن جلادهنده قلب‌ها و موجب زدوده شدن زنگارهای مختلف آن است (راوندی، ۱۴۰۷ق، ۲۳۷) و شافی مرض‌های روحی و حیات‌بخش قلب مرده و موجب دوری از گناهان و منکرات دانسته (بحرانی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۱۹). قرائت قرآن موجب باروری ایمان است (آمدی، ۱۴۱۰ق، ۵۷۲)، قلبی که قرآن در آن نهفته باشد از عذاب الهی در امان است و سعادت‌مند می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۹: ۸۹؛ شعیری، بی‌تا، ۴۱). رسیدن به مقامات عالی‌ه در روز قیامت از برکات قرائت قرآن است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱۳: ۱۲۲). بر این اساس معصومین (ع) در دعاهای خود از خداوند خواسته‌اند نگاهشان را به قرآن عبادت قرار دهد (حکیمی، ۱۳۸۰ش، ۲: ۱۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹: ۲۰۷). نگاه کردن به صفحات آن نیز باعث بهره‌گیری از انوار این کتاب آسمانی (ورام، ۱۳۶۹ش، ۱: ۲۵۰) و تدبیر و تفکر در آیات آن موجب بهره‌مندی چشم و تخفیف در عذاب والدین، حتی اگر کافر باشند، می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۱۳).

کسی که با قرائت قرآن نزد پیشوای ظالم، قصد کسب درآمد داشته باشد به اندازه هر حرفی که قرائت می‌کند و مستمع به اندازه هر حرفی که می‌شنود مورد لعن قرار می‌گیرد (مفید، ۱۴۱۳ق، ۲۶۲) و چه بسا قاریانی که قرآن را قرائت می‌کنند اما قرآن آن‌ها را لعنت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹: ۱۸۵). در معنای حدیث فوق به اشتغال اشاره شده تا قرآن وسیله کسب و اشتغال قرار نگیرد بلکه خواننده و تلاوت شود، یعنی پی‌گیری و پیروی (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ۱: ۴۴۵). همچنین عقوبت قرائت قرآن برای کسب معیشت و شهرت، محشور شدن قاری در روز قیامت با صورتی بدون گوشت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷: ۲۲۲)، رویی سیاه و در حالی که قرآن پشت سر او ناله می‌کند (صدوق، ۱۴۰۶ق، ۲۸۶) و جهنمی شدن این دسته از قاریان است (صدوق، ۱۳۶۲ش، ۱: ۱۱۱). اهل بیت (ع) قاریانی که با قرائت قرآن اجرت دریافت می‌کنند و به وسیله آن بر مردم بزرگی می‌کنند را مذمت کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۲۷).

سیره ائمه نشان می‌دهد که در دعاهای خود قرآن را واسطه خود قرار می‌دادند و این شور و شوق را در مسلمانان ایجاد می‌کردند که با واسطه قرار دادن قرآن دعای انسان مستجاب می‌شود. بنابراین دعا با قرآن و به واسطه قرآن یکی از ابزارهای ایجاد شناخت

عاطفی در فراگیر است. این امر در سیره اهل بیت بسیار مشهود است. دعای ائمه (ع) این بوده است که خدایا به واسطه قرآن قلوب ما را از آلودگی های گناه پاک و گناهای را که بر اساس هوای نفس بر ما وارد شده است را به واسطه قرآن بیوشان (همان، ۳۸۰) و از خداوند می خواستند که به برکت قرآن گناهانشان را بخشیده و ثوابشان را با قرائت آن زیاد گرداند، پیشامدها و آفات روزگارشان را برطرف نماید (نوری، ۱۴۰۸، ق، ۴: ۳۷۹). قرار دادن قرآن به عنوان بهترین وسیله برای رسیدن به بالاترین منازل کرامت و نردبانی برای عروج به جایگاه سلامت و سببی برای دریافت پاداش در عرصه قیامت، و وسیله ای برای بهره مندی از نعیم بهشت نیز درخواست ایشان بوده است (علی بن حسین، ۱۳۷۶ ش، ۱۷۸). همچنین از خداوند خواسته اند چشمانشان را با قرائت قرآن نورانی نماید (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۸۹: ۲۰۹) و قرآن را مونس ایشان در قبر و حشر قرار دهد (طبرسی، ۱۴۱۲، ق، ۳۴۲) و دریافت شیرینی تلاوت و نشاط در برپایی آن و خشوع در تلاوت نیز خواست ایشان در طی برقراری این رابطه دو سویه بوده است (نوری، ۱۴۰۸، ق، ۴: ۳۷۵). آشنایی با این دسته از ادعیه ائمه (ع) در فراگیر این شوق را ایجاد می کند که قرآن عامل قبولی دعاهایش است و این چنین نسبت به آن علاقمندتر می شود؛ بنابراین این گونه روایات در مومن انگیزه کافی جهت مداومت در قرائت قرآن کریم، تفکر در مفاهیم و تمایل به انس با آن را ایجاد می کند.

۳-۳. حیطه رفتاری

در دو بخش گذشته (شناختی و عاطفی) فراگیر نسبت به قرآن، شناخت می یابد و همچنین در او شوق و رغبت در نزدیک شدن به قرآن و بهره بردن از آن ایجاد می شود. در حیطه سوم یادگیری (رفتاری) شیوه عملی معاشرت و بهره برداری از قرآن آموزش داده می شود. گسترده ترین بخش روایات فضل قرآن روایت بخش حیطه رفتاری است. در این بخش روایات به صورت عینی و عملی نحوه معاشرت و استفاده از قرآن به عنوان یک موجود زنده و زندگی بخش را آموزش می دهد.

۳-۳-۱. لزوم نظافت و پاکی در معاشرت با قرآن

پاکی ظاهری قاری حین قرائت، به عنوان یکی از آداب معاشرت با قرآن است (صدوق، ۱۳۶۲ ش، ۲: ۶۲۷) و حدیث قدسی که در آن خداوند به حضرت عیسی دستور داده است قبل از قرائت کتاب انجیل طهارت داشته باشد (کلینی، ۱۴۲۹، ق، ۱۵: ۳۲۶). از نظر ائمه

مؤید این امر است. همچنین به طهارت بدن بعد از تخی و وضو گرفتن برای قرائت قرآن دستور داده شده است (حمیری، ۱۴۱۳ق، ۳۹۵).

پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) در خصوص نظافت دهان به عنوان راه ورود کلام الهی توصیه‌های مکرر نموده‌اند. (برقی، ۱۳۷۱ش، ۲: ۵۵۹؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۵۳). دهان‌های شما راه قرآن است پس آن را با مسواک پاکیزه نگاه دارید (جرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۲۳). ایشان بهترین دهان‌ها را دهانی دانسته‌اند که از همه خوشبوتر باشد (همان، ۲: ۲۲). چرا که گذرگاه قرآن است (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ۲: ۳۰۸). نیز مسواک زدن و قرائت قرآن را یکی از راهکارهای تقویت حافظه، افزایش حسنات و موجب خشنودی پروردگار و عمل به سنت پیامبر دانسته‌اند (صدوق، ۱۳۶۲ش، ۲: ۴۸۱؛ کافی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۱۵۰).

۳-۲-۳. ایجاد آمادگی روحی برای همنشینی با قرآن

استعاذه فرار از چنگ شیاطین و آثارشان و پناهنده شدن به خدا است که نقش زدودن آلودگی‌ها، و ایجاد زمینه مناسب برای کسب ارزش‌ها را بر عهده دارد؛ بر اثر استعاذه، فکر و دل از وسوسه‌ها پاک گشته وارد حوزه ملکوت الهی می‌شود (نقی‌پورفر، ۱۳۸۱ش، ۱۷۳). استعاذه توصیه خود قرآن است (النحل: ۹۸) و توصیه‌ای است که امام صادق (ع) به پیروان خود کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹: ۲۱۵) و نیز فرمود هرگاه در حالت توجه و حضور قرار گرفتید با خواندن «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» از شر شیطان به خدا پناه ببرید (ابن حیون، ۱۳۸۵ش، ۱: ۱۵۷). امام موسی کاظم (ع) در احتجاجات خود با هارون الرشید، هرگاه به آیه‌ای استشهاد می‌کرد ابتدا استعاذه و تسمیه و بعد آیه را قرائت می‌نمود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹: ۲۰۸) و امام جعفر صادق (ع) در نماز، قبل از قرائت حمد ابتدا با صدای بلند استعاذه نموده و بعد تسمیه را بلند می‌خواند (حمیری، ۱۴۱۳ق، ۱۲۴).

شروع تمام کتب آسمانی با تسمیه است و خواندن «بسم الله الرحمن الرحيم» قاری را از بلاهای آسمان و زمین محفوظ می‌دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۱۳). درهای معصیت با استعاذه بسته و درهای طاعت با تسمیه باز می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹: ۲۱۶). بلند خواندن و آشکار کردن تسمیه از مواردی است که معصومین (ع) مورد تاکید قرار داده‌اند؛ چرا که اهل بیت محمد (ص) بر بلند خواندن «بسم الله الرحمن الرحيم» گرد آمده‌اند (نوری، ۱۴۰۸ق، ۴: ۱۸۹). در سیره ایشان اهمیت این موضوع نمایان است که پیامبر در قرائت نماز «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند قرائت می‌کرد (همان، ۴: ۱۸۶).

۳-۳-۳. لوازم بهره‌برداری موثرتر از قرآن

الف. قرائت از روی مصحف

در مکتب اهل بیت قرائت از روی مصحف به عنوان سخت‌ترین امر برای شیطان معرفی شده است (راوندی، ۱۴۰۷ق، ۱۹۷) و قرائت از روی مصحف بافضیلت‌تر از قرائت از حفظ است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۲: ۲۰۵) که موجب می‌شود چشم‌ها با قرآن نورانی گردد (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ۳۴۲). همچنین مصون بودن خانه از ورود شیاطین، از دیگر برکات وجود قرآن - و قرائت از روی آن - در خانه است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۲۱۳).

ب. سکوت در هنگام شنیدن قرآن

در روایات، به سکوت هنگام قرائت قرآن در نماز جماعت برای بهره‌مندی از رحمت خداوند توصیه شده است (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ۲: ۴۴). در سیره امام علی (ع) است که وقتی که ابن‌الکواء پشت سر ایشان آیه ۶۵ سوره زمر را خواند، امام هنگام شنیدن آیه قرآن سکوت کرد (قمی، ۱۳۶۷ش، ۲: ۱۶۰). بنابراین ادب ایجاب می‌کند که شنونده به احترام ناطق و سخنگوی فاضل، به بیانات وی گوش داده سکوت نماید، هنگام تلاوت قرآن نیز که کلام خالق و از هر حیث نسبت به سخن مخلوق برتری دارد سزاوار است کلیه شنوندگان در کمال ادب و احترام، سکوت اختیار کرده به کلام حق گوش دهند (بیگلری، بی‌تا، ۲۸۹). گوش دادن به آیات الهی و سکوت هنگام شنیدن قرآن حسنه است و موجب ثواب و پاداش الهی می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹: ۲۰) و به سکوت هنگام قرائت قرآن در نماز جماعت و غیر آن و هنگام شنیدن آن دستور داده و آن را واجب شمرده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۶: ۲۱۴).

ج. قرائت قرآن با صوت حسن و حزین

قرائت قرآن با صوت حسن، باعث زیبایی و جاذبه آن و افزایش تاثیرگذاری آن بر دل‌ها می‌شود. همچنان که قرائت زیبای پیامبر (ص) و ائمه (ع) باعث جذب افراد زیادی به دین اسلام می‌شد. معصومین (ع) که خود صوتی بسیار زیبا داشتند پیروانشان را نیز به قرائت با صوت حسن تشویق می‌کردند (ابن‌اشعث، بی‌تا، ۱۷۳) و دستور داده‌اند که قرآن را با صوت حسن، زینت دهید و بر زیبایی آن بیفزایند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۱۵؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ۲: ۶۹). همچنین نقل شده است که خداوند جز صوت مؤذنین و قرائت قرآن با صوت زیبا، به چیزی از اهل زمین گوش نمی‌دهد (سیدمرتضی، ۱۹۹۸م، ۲: ۴۵۷) و

خداوند به صدایی گوش نمی‌دهد مگر پیامبری که قرآن را با صوت زیبا قرائت می‌کند و این به دلیل مداومت ایشان در قرائت قرآن است (سیدرضی، ۱۳۸۰ق، ۲۲۰). در بیان احوالات معصومین است که خوش‌صداترین مردم در قرائت بودند، وقتی صدای قرائت قرآن‌شان بلند می‌شد ساقیان و رهگذران با شنیدن صدای ایشان دل به نوای خوش قرآن‌خوانی معصومین می‌دادند (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ۳: ۶۰۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۱۶).

همچنین از پیامبر (ص) است که در نماز صدایش را به اندازه طاقت کسانی که پشت ایشان بودند بالا می‌برد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۳۹۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۱۵) و به کسانی که از ایشان درباره نحوه قرائت می‌پرسیدند، سفارش می‌کردند که قرائت خود را به حدی که اهل خانه بشنوند بالا برده و با صدای خوش و موزون قرائت کنند؛ زیرا خداوند صوت زیبایی را که آهنگ‌دار و موزون باشد دوست دارد (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ۳: ۷۵).

محزون و با خضوع خواندن قرآن در نزد اهل بیت (ع) آن قدر اهمیت دارد که قرائت بدون خضوع را کوچک شمردن مقام خداوند متعال و موجب خسران عظیم دانسته‌اند؛ چرا که شیطان وقتی از انسان فرار می‌کند که قلب انسان خاشع شود (کفعمی، ۱۴۰۵ق، ۲۸). قرائت با حزن، رسالتی است که در خصوص کتاب‌های آسمانی قبل از قرآن کریم نیز خداوند به حضرت موسی سفارش کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۱۵). از ویژگی انسان‌های متقی، قرائت با ترتیل قرآن و اندوهگین ساختن نفوس خود با آن است (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۳۰۴).

پیامبر اکرم (ص) در حین تلاوت قرآن محزون شده و اشک از چشمانش خارج می‌شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹: ۲۱۶). گاهی ایشان آیاتی را بر مردم قرائت می‌کردند و آنان را تشویق به گریه و یا حداقل تباکی می‌نمودند و جزای آن را نیز بهشت می‌دانستند (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۵۴۵). این سفارش در سیره عملی ائمه (ع) نیز به خوبی مشهود است که ایشان از قاری خواسته‌اند تا قرآن را برایشان محزون بخواند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹: ۲۱۶)، تا جایی که وقتی نزد علی (ع) آیاتی از قرآن تلاوت می‌شد آن حضرت می‌گریست (ترمذی، ۱۴۰۳ق، ۵: ۲۳۷).

امام موسی کاظم (ع) قرائتشان بسیار محزون بود و وقتی قرائت می‌کرد گویی که انسانی مخاطب ایشان بود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۳: ۸۵۷). همچنین از درخواست‌های معصومین (ع) توفیق محزون و متواضعانه خواندن قرآن است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ۳۴۲). ایشان ثواب‌های زیادی بر قرائت با حزن برشمرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹: ۲۰).

د. ترتیل قرآن

ترتیل، قرائت با تأنی و بدون عجله و بیان کامل حروف و حرکات آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱: ۲۶). قرائت با ترتیل از آدابی است که باعث تدبیر و تفکر در کلام الهی می‌شود و معصومین (ع) همواره به آن توصیه فرموده‌اند، ایشان قرائت با ترتیل را تدبیر و اندیشیدن در آیات و نشانه‌های قرآن دانسته‌اند (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ۱: ۱۶۱). همچنین مفهوم ترتیل و حق تلاوت را مکث و درنگ هنگام قرائت و زیبا خواندن قرآن دانسته‌اند: «و تُحَسِّنُ بِهٖ صَوْتَكُمْ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۶: ۲۰۸). به همین جهت است که از یک نفس خواندن سوره توحید نهی کرده‌اند (همان، ۲۰۷). در قرائت قرآن رعایت کردن وقف تام و حسن وقف در حال قرائت تأکید شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۱۴). اگر خواندن توأم با تأمل و تأنی نباشد و به قصد ختم سوره‌ها و بدون اندیشه و عبرت‌آموزی و دریافت معانی و مفاهیم کتاب خدا صورت گیرد بهره کامل از آیات قرآن نخواهد برد و ارزش و پاداش زیادی به دنبال نخواهد داشت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹: ۲۱۶).

به جهت اهمیت زیبایی صوت، ائمه (ع) در دعاهای خود از خداوند زیبایی قرائت، قرائتی که مورد رضای خداوند باشد و دوری از قرائت قرآن به صورت شعرخوانی را خواسته‌اند (نوری، ۱۴۰۸ق، ۴: ۳۷۵؛ حکیمی، ۱۳۸۰ش، ۲: ۱۵۶). نیز از ویژگی‌های متقین بیان شده است که شب هنگام به پا می‌خیزند و قرآن را با ترتیل می‌خوانند و با آن نفوس خود را اندوهگین می‌سازند (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۳۰۴).

ه. دعا در هنگام قرائت قرآن

امیرالمؤمنین (ع) قرائت قرآن را فرصتی مغتنم برای دعا کردن می‌شمردند. ایشان ادعیه‌ای را برای ختم قرآن قرائت می‌کردند، از معصومین (ع) ادعیه بسیاری برای شروع یا ختم قرآن نقل شده است، از جمله؛ دعای پیامبر اکرم (ص) در زمان فراغت از قرائت قرآن (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ۳۴۲). دعای امام علی (ع) در زمان ختم قرآن (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹: ۲۰۶؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۳۲۳؛ سماهیجی، ۱۳۹۶ق، ۳۸۹). دعای امام سجاد (ع) در زمان ختم قرآن (علی‌بن حسین، ۱۳۷۶ش، ۱۷۶-۱۸۲). دعای امام جعفر صادق (ع) در آغاز قرائت (نوری، ۱۴۰۸ق، ۴: ۳۷۵-۳۷۷) و دعای امام موسی کاظم (ع) در ختم قرآن (نوری، ۱۴۰۸ق، ۴: ۳۸۰-۳۸۲). همچنین مجموعه‌ای از ادعیه‌های مربوط به اوقات قرائت که توسط ابطحی در کتاب جامع الاخبار و الآثار جمع‌آوری شده است (۱۴۱۱ق، ۱: ۲۴۵). از این جهت ائمه (ع) از خداوند خواسته‌اند که ایشان را پیروان اوامر و نواهی قرآن قرار دهند (نوری، ۱۴۰۸ق، ۴: ۳۸۰).

و. تدبیر در آیات قرآن

در آیات قرآن تدبیر و تفکر کنید که بهار دل‌هاست و از نور آن شفا بگیرید که آن شفای قلب‌هاست و تلاوت آن را نیکو بدارید که سودمندترین سرگذشت‌هاست (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۱۶۴). نیز در آیات قرآن تدبیر کنید و به وسیله آن عبرت بگیرید؛ چرا که تدبیر در آن رساترین عبرت‌هاست (آمدی، ۱۴۱۰ق، ۳۱۸) و قرائتی که در آن تدبیر نباشد خیری ندارد (ابن‌اشعث، بی‌تا، ۲۳۸). دعا و خواست ایشان از خداوند در آغاز و یا پایان قرائت نیز مربوط همین امر بوده است؛ که توفیق فهم آیات و تدبیر و عبرت‌گیری از آن و این‌که در هنگام قرائت بر قلبشان مهر غفلت و بر چشمشان حجاب و پوشش نباشد و قرائتشان، قرائتی بدون تدبیر و نگاهشان با غفلت نباشد (حکیمی، ۱۳۸۰ق، ۲: ۱۵۶). نیز در وصف مقام قاریانی که قرآن، محور تمام امورات زندگی‌شان بوده این‌گونه بیان داشته‌اند که خداوند بخاطر اینان بلا را دور می‌کند و از آسمان باران نازل می‌کند و اینان در میان قراء قرآن، با ارزش‌تر از طلای سرخ رنگ هستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۲۷).

در واقع ائمه برای دست‌یابی به کنه مفاهیم و معارف قرآن همواره با آیات قرآن ممارست داشتند. امام رضا (ع) در جواب سوالات مامون به آیات قرآن استناد می‌کرد، همچنین ایشان قرآن را در سه روز ختم می‌کرد و می‌فرمود؛ اگر بخواهم در کمتر از سه روز نیز ختم می‌کنم اما هیچ‌آیه‌ای نیست که به آن برسیم و در آن نیاندیشم (صلوق، ۱۳۷۸ق، ۲: ۱۸۰).

ز. تلاش برای عمل به محتوای قرآن

امیرالمومنین (ع) فرموده است جز آنان که از محتوای قرآن عمل خود را اندوختند پس شما حیات خود را با قرآن و پیروی از آن کشتکاری کنید و از پروردگار خود از طریق قرآن راهنمایی بخواهید و از این کتاب الهی برای خود راهنمای بطلبید و آراء خود را متهم بسازید و تمایلات بی‌اساس خود را در مقابل این کتاب الهی آلوده تلقی نمایید (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۲۵۲).

ائمه (ع) از شقاوت در حمل قرآن، گمراهی در عمل، ستم در حکم کردن به آن و طغیان در راستی و کوتاهی در حق آن به خدا پناه می‌برده‌اند. تابع حلال‌ها و اجتناب از حرام‌های آن، برپایی حدود و ادای فرائض و توانایی عمل به قرآن نیز از دیگر درخواست‌های ایشان بوده است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ۳۴۲). همچنین خواسته‌اند قرائتشان همراه با تفکر و اندیشه آن‌ها همراه با عبرت و پنداندوزی باشد و از کسانی فرارشان دهد که موعظه‌های قرآن را پذیرفتند و از معصیت‌های آن اجتناب کردند (حکیمی، ۱۳۸۰ق،

۲: ۱۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹: ۲۰۷). امام علی (ع) پیروان خود را به چنگ زدن به ریسمان قرآن و دریافت خیر و پند آن و انجام حلال‌های آن و اجتناب از تحریم‌های آن و عبرت گرفتن از تجربیات آن، توصیه کرده‌اند (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۴۵۹). همچنین فرمودند: خدا را خدا را درباره آنچه که از شما در حفظ و عمل به قرآن خواسته است و در مراعات عمل به حقوقی که نزد شما به ودیعت نهاده است (همان، ۱۱۷). خدا را خدا را از این که در عمل به قرآن بر شما پیشی بگیرند (همان، ۴۲۲). درخواست ائمه (ع) نیز از خداوند بوده که آن‌ها را از کسانی قرار دهد که حقوق قرآن را رعایت می‌کنند و از اوامر آن اطاعت و از نواهی آن دوری می‌کنند و از نور علم آن روشنائی می‌یابند و ذخایر پاداش آن را کسب می‌کنند (نوری، ۱۴۰۸ق، ۴: ۳۸۱).

عمل به قرآن چنان نزد پیامبر (ص) و ائمه (ع) اهمیت داشته است که تا مسلمین آیات قرآن را یاد نمی‌گرفتند و به آن عمل نمی‌کردند، آیات دیگر را آموزش نمی‌دادند. (شهیدثانی، ۱۴۰۹ق، ۳۶۸) و نیز عمل کردن به آیه‌ای که در آن نجات است و اجتناب کردن از اعمالی که در آیات باعث هلاکت انسان می‌شود را سفارش نموده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۱۷) و از درخواست‌های ایشان از خداوند بعد از ختم قرآن، گشایش سینه و عمل به آن (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۳۲۳). تدبر در آیات و عمل به آن در ساعات شبانه روز و نیز توفیق جمع شدن برای عمل بوده است (نوری، ۱۴۰۸ق، ۴: ۳۸۰).

ائمه (ع) علاوه بر توصیه به عمل به قرآن، پاداشی نیز برای قاری و حامل آن برشمرده‌اند (همان، ۴: ۲۵۴). در مقابل برای عمل نکردن به قرآن نیز عواقبی را برای قاری قرآن بیان داشته‌اند که مستوجب عقوبت خداوند و هم مقام شدن با یهود و نصاری از جمله آن می‌باشد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۶: ۱۸۳). همچنین ایشان عمل نکردن به قرآن و دور نشدن از گناهان را دلیل قرائت نکردن قرآن دانسته‌اند (پاینده، ۱۳۸۲ش، ۴۹۸). عمل به محکمات قرآن، ایمان به متشابهات و دوری از تأویل قرآن از سفارشات ایشان به امت خود بوده است (صدوق، ۱۳۶۲ش، ۱: ۱۶۴).

۳-۳-۴. اهتمام به کیفیت، بیش از کمیت

کثرت تلاوت قرآن هرچند امر نیکو و پسندیده و دارای فضیلت است، اما آنچه هم‌سو با رسالت و هدف قرآن است توجه به کمیت در کنار کیفیت است. یعنی تلاوتی ممدوح است که در مرحله اتصال و ادغام با تدبر در آیات قرآن قرار گیرد، تا آنچه مقصود و مطلوب قرآن است محقق شود. این رویه مورد تأیید پیشوایان دین نیز هست؛ ائمه (ع)

در عین آن‌که کثرت تلاوت داشتند، تدبیر در آیات هم داشتند؛ تأکید می‌کردند که قرآن را با صلابت و استوار بخوانید و با ضربه‌های اثرگذار قرآن، بر دل‌های سنگی و قساوت گرفته خویش بکوبید و همه فکر و همت شما این نباشد که به آخر سوره برسید (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۴: ۸۵۶).

مبنای اهل بیت (ع) در تعامل و تلاوت قرآن، التزام به عناصر کیفی قرائت (تلاوت آرام و شمرده شمرده، تدبیر، خشیت، نظم در تلاوت، برنامه‌ریزی برای تلاوت قرآن و...) توأم با مداومت بر تلاوت در حد توان است. در مسلک معصومین (ع) تنها راه ارتباط با قرآن، قرائت صرف نبوده است که حاصل آن اجر و ثواب مترتب بر آن باشد؛ بلکه محوریت امر تلاوت التزام به کیفیت توأم با کمیت بوده است.

کیفیت‌گرایی که مدنظر مکتب اهل بیت (ع) می‌باشد «تلاوت اصولی» قرآن است که هدایت، نور، شفا و رحمت قرآن را با خود به قلب قاری هدیه می‌کند و تلاوت قرآن به عنوان عامل نورانیت و تزکیه و هدایت و اعطای علم معرفی شده است، تلاوتی همراه با اصول و آداب و روش‌ها بوده است، نه هرگونه قرآن خواندنی. آنچه قابل توجه است، این‌که معصومین (ع) با چنین توصیه‌ها و ارشاداتی به دنبال جا انداختن یک «فرهنگ» بوده‌اند که می‌توان از آن به «فرهنگ انس عمومی با قرآن» و «تلاوت دائمی و همگانی کلام خدا» تعبیر نمود (غفاری، ۱۳۸۰ش، ۶۵).

۳-۳-۵. معاشرت فعالانه با قرآن

از دیگر آموزش‌های حیطه رفتاری، تعامل دو سویه قاری و قرآن است. به این صورت که قاری در آیاتی که خداوند وعده بهشت را به بندگان خود می‌دهد آن را از خداوند طلب نماید و در آیاتی که مربوط به عذاب است، از آن به خداوند پناه ببرد و در آیاتی که خطاب «ایها الناس» و «ایها الذین آمنوا» است، در جواب لبیک بگوید (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۶: ۶۹). در سیره امام رضا (ع) در تعامل با قرآن چنین آمده است که ایشان در حین قرائت قرآن وقتی به آیات بهشت می‌رسید آن را از خداوند درخواست و از آتش دوزخ به خداوند پناه می‌برد، هر گاه سوره توحید را می‌خواند سه بار می‌گفت این است خدای من، هرگاه سوره کافرون را می‌خواند می‌فرمود: خدای من الله و دین من اسلام است و هرگاه سوره تین را قرائت می‌کرد می‌فرمود: بله من از شاهدان به آن هستم و هرگاه «لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ» (القیامة: ۱) را می‌خواند، می‌فرمود: منزهی تو خدایا و بعد از سوره حمد، «الحمد لله رب العالمین» می‌گفت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹: ۲۱۸-۲۱۹).

حاصل کلام آن‌که؛ حیطه‌های سه‌گانه یادگیری که در نظریه بلوم طرح شده، در باب روایات فضل القرآن به خوبی قابل تطبیق است. برای هر سه حیطه آموزشی، روایات قابل توجهی در این باب وجود دارد. در حیطه یادگیری شناختی؛ فراگیر نسبت به شأن و جایگاه قرآن کریم در هدایت انسان آشنا می‌شود. در حیطه یادگیری عاطفی؛ انگیزشی جهت بهره بردن از قرآن کریم و همنشینی با آن در فراگیر ایجاد می‌گردد و مهم‌تر از همه، در حیطه یادگیری رفتاری با روایات بیشتر و متنوع‌تر، شیوه‌ها و مهارت‌های معاشرت مفید و موثر به مسلمانان آموزش داده می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

از بررسی روایات فضل قرآن بر اساس نظریه حیطه‌های یادگیری بلوم، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که:

۱- روایات فضل قرآن که در جوامع روایی امامیه و بر اساس تعالیم اهل بیت (ع) آمده است، نقش موثری در آموزش معاشرت مؤثر با کلام خدا و قرار گرفتن در مسیر هدایت مورد نظر قرآن کریم دارد.

۲- این روایات بر اساس نظریات جدید یادگیری، به ویژه نظریه حیطه‌های یادگیری بلوم، می‌تواند به منزله یک منبع درسی جهت آموزش تعامل مؤثر با قرآن به مسلمانان آموزش داده شود.

۳- مجموع روایات فضل القرآن به طرز ماهرانه و قابل توجهی لوازم یک منبع آموزشی را رعایت کرده است و اگر مطالب آن از طرف سیاست‌گزاران فرهنگی و علمی به ویژه آموزش و پرورش و آموزش عالی به زبان روز و متناسب با نیازهای مخاطبان در گروه‌های سنی مختلف ویرایش شود، می‌تواند تأثیر قابل توجهی در بهره‌برداری هدایتی در زندگی مسلمانان داشته باشد.

۴- نخست باید با روایات فضل القرآن در حیطه یادگیری شناختی، قرآن به اندیشه فراگیران معرفی و شناختی اجمالی به جایگاه، اهمیت و کارکرد کتاب خداوند در زندگی انسان، ایجاد شود. سپس در حیطه عاطفی با روایات معصومین (ع) در مؤمنان شوق و رغبت قلبی نسبت به نزدیک شدن به قرآن و انس با آن برانگیخته گردد.

۵- اهتمام بیشتر به حیطه یادگیری رفتاری در این روایات نشان‌گر این است که اگر انسان مسلمان در عین این‌که با قرآن آشنا و در او شوق و رغبت ایجاد می‌شود، نهایتاً بیشتر به اصل تعامل رفتاری (قرانت، استماع، تدبر)، آن هم با رعایت آداب و شرایط

پیردازد، تأثیر هدایتی قرآن بر او بیشتر می‌گردد و در عین حال دو حیطه یادگیری قبلی یعنی شناختی و عاطفی را نیز بهتر و با تأثیر بیشتری فرا می‌گیرد؛ همان مسأله‌ای که در حیطه‌های یادگیری بلوم به آن اشاره شد که سابقه یادگیری فراگیر بر یادگیری‌های بعدی او تأثیر دارد. تأکید این روایات نیز بر حیطه یادگیری رفتاری از این جهت است که انس مستمر و عملی با قرآن، جنبه هدایتی بسیار مؤثرتری دارد تا این که صرفاً درباره شأن و منزلت قرآن آموزش داده شود.

منابع

قرآن کریم.

آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.

ابن ادريس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)، تحقیق حسن بن احمد موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.

ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه، بی‌تا.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، تحقیق فیضی، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۳۸۵ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق.

احمدی، آیدا؛ محمدکاظمی، رضا؛ محمدی الیاسی، قنبر، «شناسایی شیوه‌های آموزش کارآفرینی در حیطه یادگیری عاطفی با رویکرد آموزش از طریق تفریحات سالم»، توسعه کارآفرینی، تابستان ۱۳۹۶ش، شماره ۶۳، صص ۲۰۱-۲۲۰.

الیس اورمراد، جین، یادگیری انسان (نظریه‌ها و کاربردها)، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران، ۱۳۹۲ش.

باهر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روانشناسی رشد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۷ش.

بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۲ق.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق جلال‌الدین محدث، قم، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ش.

بستانی، قاسم؛ چنانی، زهرا؛ آلبوغییش، سیمای، «اعتبارسنجی روایات فضائل قرائت قرآن نزد شیعه»، مطالعات فهم حدیث، ۱۳۹۷ش، شماره ۹.

بلوم، بنجامین اس، ویژگی‌های آدمی و یادگیری آموزشگاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳ش.

بیگلری، حسن، سر البیان فی علم القرآن، بی‌جا، کتابخانه سنایی، بی‌تا.

پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.

ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ق.

_____، هداية الأمة إلى أحكام الأنمة (ع)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ق.

حسینی تهرانی، سید محمدحسین، نور ملکوت قرآن، مشهد، ملکوت، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.

- حکیمی، محمدرضا، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد (ط-الحديثة)، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ق.
- درتاج، فریبرز و کردنوقانی، رسول، نظریه‌های آموزش: الگوها، راهبردها، روش‌ها، فنون، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
- راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، الدعوات، تحقیق سلوة الحزین، قم، مدرسه امام مهدی (ع)، ۱۴۰۷ق.
- سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
- سید مرتضی، علی بن حسین علم الهدی، أمالی المرتضی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار الفكر العربی، ۱۹۹۸م.
- سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی نوین؛ روانشناسی یادگیری و آموزش، تهران، دوران، ۱۳۹۴ ش.
- شانگ، دیل ایچ، نظریه‌های یادگیری (چشم‌اندازی تعلیم و تربیتی)، ترجمه یوسف کریمی، تهران، ویرایش، ۱۳۹۲ ش.
- شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، مطبعة حیدریه، نجف، بی‌تا.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، منية المرید، تحقیق رضا مختاری، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
- صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- _____، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش
- _____، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دارالشریف الرضی، ۱۴۰۶ق.
- _____، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- _____، قرآن در اسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ش.
- طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق محمدباقر خراسان، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
- _____، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة، ۱۴۱۱ق.
- عبید الخفاجی، حکمت، الإمام الباقر و اثره فی التفسیر، بیروت، مؤسسه البلاغ، ۱۴۲۶ق.
- عتر، نور الدین، علوم القرآن الکریم، دمشق، مطبعة الصباح، ۱۴۱۶ق.
- علی بن حسین (ع)، الصحیفة السجادیة، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.
- عباشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، تهران، مطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ق.
- غفاری، مهدی، «کیفیت‌گرایی در تعلیم و ترویج قرآن»، بشارت، ۱۳۸۰ ش، شماره ۲۲.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم، رضی، ۱۳۷۵ ش.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دار الکتب، ۱۳۶۷ ش.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح للکفعمی (جنة الأمان الواقیة)، قم، دار الرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- _____، الکافی (ط-دارالحديث)، تهران، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- گالن سلولور، ویلیام ام. الکساندر و آرتور جی. لونیس، برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر، ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
- لسانی فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی، حسین، درآمدی بر مطالعات قرآنی در سیره نبوی، قم، نصایح، ۱۳۹۲ ش.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
 معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث بارویکرد تحلیلی، تهران، کویر، ۱۳۸۳ش.
 مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم،
 المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
 موحد ابطحی اصفهانی، محمدباقر بن مرتضی، جامع الاخبار و الاثار عن النبی و الائمه الاطهار(ع)،
 قم، مؤسسه امام مهدی (ع)، ۱۴۱۱ق.
 مهرپور، سعید؛ سعادت، محبوبه؛ جعفری، سارا، «مقایسه کتاب‌های انگلیسی با اهداف ویژه برای دانشجویان
 رشته‌های مهندسی، علوم انسانی و پزشکی در دانشگاه‌های ایران بر اساس طبقه‌بندی اصلاح شده بلام»،
 پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، بهار و تابستان ۱۳۹۴ش، شماره ۶۳، صص ۷۶ - ۹۸.
 نعمانی، ابن ابی‌زینب، الغیبة، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ق.
 تقی‌پورفر، ولی‌الله، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، تهران، اسوه، ۱۳۸۱ش.
 نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنط المسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البتیت (ع) لإحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
 هرگنهان، بی. آر؛ السون، میتوچ، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران،
 دوران، ۱۳۸۲ش.